

فصلنامه علمی - پژوهشی زبان پژوهی دانشگاه الزهراء (س)

سال نهم، شماره ۲۲، بهار ۱۳۹۶

توصیف و تحلیل چند واژه مؤدبانه و کارکرد آنها در زبان فارسی در چارچوب نظریه ادب براون و لوینسون^۱

معصومه خدایی مقدم^۲

محمود الیاسی^۳

شهلا شریفی^۴

تاریخ دریافت: ۹۳/۷/۲۷

تاریخ تصویب: ۹۳/۱۰/۲۱

چکیده

این تحقیق در چارچوب نظریه ادب به توصیف و تحلیل ۵ واژه و عبارت پرکاربرد مؤدبانه در زبان فارسی می‌پردازد. داده‌ها از گفتار واقعی افراد از سنین و طبقات اجتماعی مختلف و از طریق مشاهده و یادداشت برداری در بافت‌های مختلفی چون خیابان، مراکز خرید، دانشگاه، مهمانی و غیره گردآوری شده‌اند. قابل ذکر است که واژه‌ها و عبارات مؤدبانه همیشه به

^۱ شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/jlr.2015.1838

^۲ دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)؛

ma.khodaeimoghaddam@mail.um.ac.ir

^۳ استادیار گروه زبان‌شناسی، دانشگاه سبزه‌وار؛ elyasim@um.ac.ir

^۴ دانشیار گروه زبان‌شناسی، دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد؛ sh-sharifi@ferdowsi.um.ac.ir

یک معنی نیستند و در بافت‌های مختلف کارکردهای متفاوتی دارند. نتایج این پژوهش نشان داد که فارسی‌زبانان گفتار مؤدبانه را فقط برای انجام کنش‌های تهدیدکننده و جبهه به کار نمی‌برند، بلکه آن را جهت حفظ و تقویت وجهه و احترام به دیگران نیز به کار می‌گیرند؛ لازم به ذکر است که یکی از محدودیت‌های نظریه ادب براون و لوینسون (۱۹۸۷) این است که ادب را با تلطیف کنش‌های تهدیدکننده و جبهه توصیف می‌کنند. همچنین مشخص شد که عمده‌ترین استراتژی زیربنایی واژه‌ها و عبارات مؤدبانه، استراتژی ادب منفی است که افراد بیشتر آن را با بافت‌های رسمی یا نیمه‌رسمی به کار می‌برند.

واژه‌های کلیدی: ادب، استراتژی‌های ادب، وجهه، کارکرد، بافت

۱. مقدمه

رعایت ادب در قالب زبان و در بافت‌های گفتمانی خاص، نشانگر جایگاه اجتماعی سخنگویان، سطح روابط میان آنان، حسن خلق و از همه مهم‌تر متضمن حفظ روابط است. به‌دیگر سخن، مادامی که رعایت ادب بخشی از کنش‌زبانی سخنگویان زبان فارسی را تشکیل دهد، می‌توان مطمئن بود که زبان «نقش ارتباطی» خود را به‌خوبی ایفا می‌کند و مانع از قطع ارتباط و یا تنزل عملکرد مثبت آن می‌شود. از این رو، پرداختن به موضوع ادب به‌عنوان مقوله‌ای فرهنگی و یکی از بنیادی‌ترین عناصر ارتباط امری ضروری است. به‌طور کلی، سخنگویان یک زبان در تعاملات اجتماعی خود، برای ایجاد و تداوم رابطه‌ای مثبت و حفظ تعادل ارتباطی، استراتژی‌هایی را به کار می‌گیرند که در کاربردشناسی به «اصل ادب»^۱ موسوم است (لیچ، ۱۹۸۳: ۱۰۴).

ادب در زبان فارسی غالباً با احترام همراه است که دارای دو نمود زبانی و رفتاری است و افراد با رعایت آن سعی می‌کنند به یکدیگر احترام گذاشته و وجهه^۲ یکدیگر را حفظ

^۱ politeness principle

^۲ Leech

^۳ face

کنند. در زبان فارسی، ادب و احترام در برخی واژه‌ها و عبارات نمود بیشتری دارد؛ البته باید توجه داشت که واژه‌ها و عبارات ادب در این زبان در بافت‌های مختلف دارای کارکردها و معانی مختلفی هستند و از این رو، برای داشتن ارتباط اجتماعی مناسب و رعایت ادب، شناخت دقیق آنها اهمیت زیادی دارد. در این پژوهش تلاش می‌شود تا برخی از واژه‌ها و عبارات مربوط به مقوله ادب در زبان فارسی معرفی و کارکردهای متنوع آن در بافت‌های مختلف توصیف و تحلیل شوند تا مشخص شود که کاربرد هریک از آنها بر کدام یک از استراتژی‌های ادب براون^۱ و لوینسون^۲ (۱۹۸۷) منطبق است. بر این اساس، افراد با به کارگیری این استراتژی‌ها، ضمن حفظ تعامل، وجهه خود و دیگران را نیز حفظ می‌کنند.

۲. نظریه ادب و برخی مفاهیم مرتبط با آن

مقوله ادب طی چند دهه گذشته جایگاه والایی را در مطالعات زبان‌شناسی کسب کرده و محققان بسیاری در مورد آن اظهار نظر کرده‌اند. یکی از معتبرترین نظریه‌های ارائه‌شده، نظریه ادب براون و لوینسون است که بر پایه مفهوم وجهه گافمن، ابتدا در سال ۱۹۷۸ و آن‌گاه با اصلاحاتی در سال ۱۹۸۷ مطرح شد.

میلز^۳ (۲۰۰۳: ۲۱۳) با ذکر این واقعیت که هر جامعه‌ای در عمل براساس هنجارهای پذیرفته‌شده و مشترک بر ادب تأکید می‌کند، مدل پیچیده‌تری از ادب ارائه می‌کند و معتقد است گفته‌ها به خودی خود (غیر) مؤدب محسوب نمی‌شوند، بلکه این رفتار افراد است که (غیر) مؤدبانه تلقی می‌شود.

واتس^۴ (۲۰۰۳: ۸-۹) مجموعه مفیدی از مباحث زبان‌شناسی اجتماعی در زمینه ادب و تحلیلی از رویکردهای گذشته را ارائه کرده است. او تعبیر عامیانه از ادب را ادب نوع یک^۵ و مفهوم ادب در نظریه جامعه‌شناسی زبان را ادب نوع دوم^۶ می‌نامد. زبان مؤدبانه مهم‌ترین

¹ Brown

² Levinson

³ Mills

⁴ Watts

⁵ first-order

⁶ second-order

بخش از رفتار مؤدبانه هر فرد را شکل می‌دهد و هیچ انسانی با ادب متولد نمی‌شود بلکه آن را به‌عنوان پدیده اجتماعی در طول زندگی کسب می‌کند.

۲.۱. وجهه

اروین گافمن^۱ در سال ۱۹۶۳ مقاله‌ای را منتشر کرد که در آن برای اولین بار عنوان «وجهه» را معرفی کرد (بکر^۲، ۲۰۰۳)؛ او این عبارت را در ارتباط با مفهوم اجتماعی خود مطرح کرده و آن را این‌گونه توصیف می‌کند: ارزش اجتماعی مثبت که فرد به‌طور مؤثر آن را برای خود می‌خواهد و دیگران می‌دانند که این ارزش اجتماعی در طی ارتباط خاص به دست آمده است؛ وجهه، تصویری از خود است که با برخی رفتارهای اجتماعی پذیرفته‌شده در ارتباط است؛ این تصویر از خود که توسط دیگران به فرد داده می‌شود، مبتنی بر ارائه رفتارهای درست از خود در جامعه است (گافمن، ۲۰۰۱: ۳۰۶). در واقع گافمن وجهه را به چگونگی حضور فرد در عرصه اجتماع و نوع تصویری که از خود به نمایش می‌گذارد، مربوط می‌داند.

براون و لوینسون به تبعیت از گافمن (۱۹۶۷)، وجهه را «خودانگاره عمومی ای که هر عضو جامعه برای خود قائل است» تعریف نموده‌اند و برای هر فرد دو نوع وجهه را برمی‌شمارند: وجهه منفی^۳ و وجهه مثبت^۴. مراد از وجهه منفی میل فرد به آزادی عمل در اجتماع و بیزاری از تحمیل، و منظور از وجهه مثبت میل فرد به تأیید شدن، دوست‌داشته‌شدن و پذیرفته‌شدن به‌عنوان عضوی از گروه و جامعه است (براون و لوینسون، ۱۹۸۷: ۶۱). وجهه در جامعه‌شناسی و زبان‌شناسی این‌گونه درک می‌شود: «خودانگاره عمومی که به‌صورت متقابل توسط شرکت‌کنندگان در یک ارتباط حفظ و نگهداری می‌شود» (اسکولن^۵ و اسکولن، ۱۹۹۵: ۲۵).

¹ Ervin Goffman

² Bakker

³ negative face

⁴ positive face

⁵ Scollon

۲.۲. کنش‌های تهدیدکننده^۱ و جبهه^۲

براون و لوینسون (۱۹۸۷: ۶۵) بر این عقیده اند که بعضی کنش‌گفتارها ذاتاً وجهه را تهدید می‌کنند و شامل کنش‌هایی می‌شوند که به‌طور فطری برخلاف خواسته‌های وجهه مخاطب یا سخنگو هستند و آنها را کنش‌های تهدیدکننده^۱ و جبهه می‌نامند. کنش‌های تهدیدگر وجهه شامل اعمال کنش‌های گفتاری اند که مخاطب را وادار می‌سازند عملی را انجام دهد که در شرایط معمول سودی برای او ندارد (واتس، ۲۰۰۳: ۸۷).

به‌طور کلی، کنش‌های تهدیدگر وجهه ممکن است براساس تهدید موردنظر متفاوت باشند؛ بعضی از آنها ممکن است وجهه منفی شنونده را تهدید کنند، مانند تقاضا و دستور، و برخی ممکن است وجهه مثبت شنونده را تهدید کنند، مانند مخالفت، انتقاد، توهین و لاف زدن. علاوه بر این‌ها، کنش‌های تهدیدگری هم وجود دارند که وجهه خود سخنگو را تهدید می‌کنند، مانند کنش‌های تشکر، پذیرش، پیشنهاد، قول‌دادن‌های ناخواسته که تهدیدگر وجهه منفی اند و کنش‌های عذرخواهی، اعتراف یا اقرار به عمل که تهدیدگر وجهه مثبت سخنگو می‌باشند (براون و لوینسون، ۱۹۸۷: ۶۸-۶۵).

۳.۲. استراتژی‌های ادب^۲

استراتژی‌های ادب «شامل بیان یا انجام کار صحیح به‌طریق صحیح و در زمان صحیح و صدمه نزدن به احساسات یا عزت نفس دیگری است» (اکوساکول^۳، ۲۰۰۵: ۱۲۰). به اعتقاد واتس، استراتژی‌های ادب عبارتند از استراتژی‌هایی که یا به تأیید و تقویت وجهه مثبت مخاطب منجر می‌شوند و ادب مثبت نام دارند، و یا از تجاوز به حریم و آزادی عمل مخاطب و تحمیل به وی پرهیز می‌کنند و ادب منفی نامیده می‌شوند (واتس، ۲۰۰۳: ۱۲).

براون و لوینسون (۱۹۸۷) استراتژی‌های ادب را به ۴ نوع تقسیم می‌کنند که عبارتند از:

استراتژی‌های مستقیم^۴، ادب مثبت^۵، ادب منفی^۶ و استراتژی‌های غیرمستقیم^۱.

^۱ face threatening act

^۲ politeness strategies

^۳ Ukosakul

^۴ bald on record

^۵ positive politeness

^۶ negative politeness

۲. ۴. کنش گفتارها

از آنجایی که بیشتر واژه‌های مؤدبانه خود کنش گفتار محسوب می‌شوند و یا با برخی کنش گفتارهای دیگر همراه می‌شوند، ضروری است تا به بحث کنش گفتارها نیز اشاره‌ای شود. نظریه کنش گفتارها نخستین بار توسط آستین^۲ در دهه ۱۹۳۰ مطرح شد؛ مجموعه سخنرانی‌های وی درباره کنش گفتارها بعدها در سال ۱۹۶۲ در کتابی با عنوان «چگونه با کلام کار انجام می‌شود» به چاپ رسید. آستین (۱۹۶۲:۱۲) ادعا می‌کند که «گفتن چیزی به معنای انجام چیزی است» و هر پاره گفتار و یا بیان زبانی صرفاً یک جمله نیست که درستی آن مورد قضاوت قرار بگیرد، بلکه دارای خاصیت اجرایی بوده و یک کنش را انجام می‌دهد.

براساس گفته تانک^۳ (۲۰۰۳)، سخنگویان زبان کنش گفتارهای مختلفی را برای رسیدن به اهداف ارتباطی‌شان به کار می‌گیرند که می‌تواند منطبق بر دسته‌بندی سرل^۴ (۱۹۶۹) باشد و کنش‌های گفتاری اعلامی، ترغیبی، عاطفی، توصیفی و تعهدی را دربرگیرد، یا می‌تواند شامل کنش گفتارهای خاص‌تری مانند عذرخواهی، درخواست، رد درخواست و یا پیشنهاد باشد (کاسپر^۵ و رز^۶، ۲۰۰۱). طبق نظر اشمیت^۷ و ریچاردز^۸ (۱۹۸۰)، کنش گفتارها شامل همه اعمالی است که هنگام صحبت کردن انجام می‌دهیم و مهم‌ترین کار آنها کمک به توجیه توانش ارتباطی است؛ آنها کنش گفتارهای کاربردی مثل دعوت، رد، پیشنهاد، عذرخواهی و غیره را از عناصر اصلی توانش ارتباطی تلقی می‌کنند.

۳. پیشینه تحقیق

گرچه تاکنون محققان بسیاری بر روی پدیده ادب در زبان فارسی کار کرده‌اند اما به جز تحقیق پیشقدم و کرمانشاهی (۲۰۱۲) در مورد عبارت «ان شاء الله» و الیاسی، شریفی و

¹ off record

² Austin

³ Tanck

⁴ Searle

⁵ Kasper

⁶ Roze

⁷ Schmidt

⁸ Richards

خدایی (۲۰۱۴) در مورد واژه «ببخشید» و الیاسی، شریفی و خدایی (۲۰۱۴) در مورد عبارت «خسته نباشید»، تاکنون تحقیقات منسجمی در مورد واژه‌های پرکاربرد ادب و کارکردهایشان در زبان فارسی انجام نشده است و فقط به صورت جسته گریخته در خلال یک تحقیق به بعضی از این واژه‌ها یا عبارات اشاره شده است که در ادامه به آنها می‌پردازیم. رفیعی (۱۹۹۲: ۸۶-۸۵) عباراتی مثل «اختیار دارین» و «شرمند می‌کنید» را پاسخ‌های ممکن در قبال تعریف کردن، می‌داند چرا که معتقد است اگر ایرانی‌ها در جواب تعریف تشکر کنند، مغرور و متکبر شناخته می‌شوند. شریفیان (۲۰۰۷: ۴۲) عباراتی مثل «قابل شما رو نداره» و «خواهش می‌کنم» را عبارت کلیشه‌ای فارسی می‌نامد که فرد از آنها استفاده می‌کند تا تعریف را به شنونده بازگرداند. یوسف‌وند (۲۰۱۰) اصطلاحات «قابل شما رو نداره»، «خواهش می‌کنم» و «شرمند می‌کنید» را عبارات کلیشه‌ای می‌داند که در جواب کنش‌گفتار تعریف می‌آیند و خاص زبان فارسی هستند. پیشقدم و کرمانشاهی (۲۰۱۱) به تحلیل کاربرد عبارت دارای بار مذهبی «ان شاءالله» در حیطه کنش‌گفتار و نظریه ادب پرداخته و هشت کارکرد را برای آن مشخص کرده‌اند که با عنوان سه مقوله بزرگ‌تر مسلمان بودن، برخورد با عواطف و غیرمستقیم‌گویی طبقه‌بندی می‌شوند. کارکردهای جزئی‌تر این عبارت عبارتند از: قدرتمند کردن گوینده، جبرگرا بودن، نمایش هویت مذهبی، آرزو کردن، نفرین کردن، تشویق افراد به انجام کاری، طفره رفتن از دادن جواب صریح و به تأخیرانداختن پاسخ. طبق نتیجه‌گیری آنها، فرهنگ و مسلمان بودن مردم ایران و اعتقاد آنها به خداوند عامل اساسی در کاربرد این عبارت می‌باشد. الیاسی، شریفی و خدایی (۲۰۱۴) در چارچوب نظریه ادب به توصیف و تحلیل واژه مؤدبانه «ببخشید» پرداخته و ۱۰ کارکرد برای آن مشخص کرده‌اند که عبارتند از عذرخواهی، آغازگر گفتگو، خطاب، ابزار تلطیف‌کننده تقاضا، رد تقاضا و امتناع از انجام کار، تشکر، ارائه خدمت یا چیزی به کسی، پرسش، کنایه و نوبت‌گیری. به اعتقاد آنها، فارسی‌زبانان واژه‌های مؤدبانه را بیشتر جهت حفظ وجه خود و دیگران به کار می‌برند. الیاسی، شریفی و خدایی (۲۰۱۴) در چارچوب نظریه کنش‌گفتارها و نظریه ادب، کنش‌گفتار «خسته نباشید» را توصیف و تحلیل کرده و ضمن این که آن را یک

کنش گفتار فرهنگ ویژه می‌دانند، ۸ کارکرد برای آن مشخص کرده و در نهایت ادب در زبان فارسی را با انجام کنش‌های تقویت‌کننده وجهه تعریف می‌کنند.

۴. شیوه انجام تحقیق

این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی می‌باشد که به توصیف و تحلیل واژه‌ها و عبارات مؤدبانه در زبان فارسی می‌پردازد و نقش‌ها و کارکردهای آنها را در بافت‌های مختلف مشخص می‌کند. به گفته ولفسون^۱ (۱۹۸۹) و فاسولد^۲ (۱۹۸۷)، در تحقیقات جامعه‌شناسی زبان معتبرترین داده‌ها، داده‌های جمع‌آوری شده توسط محقق از گفتار واقعی افراد است که بیشتر شامل مشاهده همراه با مشارکت می‌باشد؛ از این رو، بیشتر داده‌های تحقیق حاضر از میان مکالمات عادی و روزمره افراد از سنین و طبقات اجتماعی مختلف و در بافت‌های مختلف چون خیابان، بانک، دانشگاه، مراکز خرید، مهمانی، و نیز از میان مکالمات تلفنی آنان گردآوری شده است.

۵. توصیف و تحلیل داده‌ها

داده‌های زبانی استخراج شده که در ذیل این عنوان فهرست می‌شوند از میان تعداد نسبتاً زیادی از کلمات و عبارات مؤدبانه در زبان فارسی که بسامد بیشتر دارند، انتخاب شده‌اند.

۵.۱. «اختیار دارید/اختیار دارین»

«اختیار دارید/اختیار دارین» از عباراتی است که در گفتگوهای فارسی‌زبانان به‌ویژه در بافت‌های رسمی و نیمه‌رسمی شنیده می‌شود و معمولاً با طرحواره فرهنگی تعارف در ذهن افراد برانگیخته می‌شود. در ادامه به معنای این عبارت و این که در چه موقعیت‌هایی به کار می‌رود، اشاره می‌شود.

^۱ Wolfson

^۲ Fasold

۵. ۱. ۱. به معنای واقعی «اختیار داشتن»

معنای لغوی این عبارت، «دادن اختیار و اجازه انجام کاری به دیگری» است که گاهی در تعاملات روزمره استفاده می‌شود و گوینده که خود نیز در این کنش ذی‌نفع است، با کاربرد این عبارت نه تنها از درجه آزادی مخاطب نمی‌کاهد، بلکه بر آزادی عمل او افزوده و بدین طریق وجهه منفی او را تقویت می‌کند؛ از سوی دیگر، گوینده با کاربرد این عبارت، پذیرفته بودن مخاطب را تأیید می‌کند و در نتیجه این عبارت تقویت‌کننده وجهه مثبت نیز می‌باشد. لازم به ذکر است که این عبارت با این معنای خاص، معمولاً در بافت‌های رسمی به کار می‌رود و غالباً از سوی سخنگوی با قدرت اجتماعی پایین به سخنگوی با قدرت اجتماعی بالا گفته می‌شود و بار احترامی زیادی دارد.

بافت: A برای پرسیدن وضعیت تحصیلی پسرش به مدرسه او می‌رود و با B (مدیر مدرسه) صحبت می‌کند.

A: وضعیت علی چگونه؟

B: درسش بد نیست ولی خیلی بازیگوشه، نمی‌دونیم چکار کنیم؟

A: شما «اختیار کامل دارین»، هر کار صلاح می‌دونین انجام بدین.

۵. ۱. ۲. در جواب کنش گفتار تعریف

هلمز^۱ (۱۹۸۶)، ولفسون (۱۹۸۱) و ولفسون و مینز^۲ (۱۹۸۰) نشان داده‌اند که تعاریف در سه مقوله اصلی قرار می‌گیرند: ۱- تعریف‌های مرتبط با توانایی‌ها و کمالات افراد مثل مهارت افراد ۲- تعریف‌های مرتبط با دارایی‌ها و داشته‌های افراد مثل خانه، ماشین و جواهرات ۳- تعریف‌های مرتبط به ظاهر افراد مثل مدل مو، چهره. اما از سویی «دریافت‌کننده‌های تعریف تحت دو فشار متناقض قرار می‌گیرند: اول این که تعریف را پذیرفته و با گوینده اعلام موافقت کنند و دوم این که از تمجید خود پرهیزند» (پمرانتز^۳، ۱۹۷۸: ۸۲). به منظور رعایت ادب، هنگام تعریف دیگران، فرد ضمن این که نباید آن را مستقیماً رد کند، باید از تمجید خود نیز پرهیزد. «اختیار دارین» از عباراتی است که این عمل را انجام می‌دهد یعنی فرد با

¹ Holmes

² Manes

³ Pomerantz

۳۴ / توصیف و تحلیل چند واژه مؤدبانه و کارکرد آنها در زبان فارسی در چارچوب نظریه ادب براون و لوینسون

استفاده از آن، ضمن این که تعریف را مستقیماً رد نمی کند، تعریف را به تعریف کننده باز می گرداند. این کارکرد «اختیار دارین» در بافت های نیمه رسمی در میان سخنگویان با درجه همبستگی نسبی به کار می رود.

بافت: A (مهمان) شروع به تعریف از خانه تازه ساز B (میزبان) می کند.

A: چه خونه قشنگی! خودتون کاغذ دیواری هاش رو انتخاب کردین؟

B: آره.

A: آفرین، چه خوش سلیقه.

B: «اختیار دارین» به پای خوش سلیقه شما که نمی رسه.

۵. ۱. ۳. در پاسخ به تعارفات

عمده ترین کاربرد «اختیار دارین» در تعارفات است که به کرات در گفتگوهای تعارف آمیز افراد شنیده می شود. همان طور که تعارف در فرهنگ ایرانی امری اجتناب ناپذیر است و فارسی زبانان تعارف را به نوعی تجلی ادب می دانند، چگونگی واکنش و پاسخ به تعارف هم امری مهم به شمار می رود. آزاد ارمکی و بیکران بهشت (۱۳۸۹) تعارف را بر دو اصل اصرار و انکار یا خواهش و امتناع می دانند، بدین معنا که فردی در تعارف چیزی اصرار و خواهش دارد و دیگری به حکم ادب باید از پذیرفتن آن امتناع ورزد یا آن را انکار کند. گاهی عبارت «اختیار دارین» به عنوان انکار در جواب تعارف دیگران گفته می شود. این کارکرد «اختیار دارین» نیز معمولاً در بافت های نیمه رسمی و میان سخنگویان با درجه همبستگی نسبی به کار می رود.

بافت: A (مهمان)، B (میزبان)

A: ببخشید دیگه مزاحم شدیم.

B: «اختیار دارین»، شما مراحمید.

۵. ۲. «ان شاءالله»

«ان شاءالله» به معنای «اگر خدا بخواهد» در اصل یک عبارت عربی مذهبی است که تقریباً در جریان بسیاری از گفتگوهای میان فارسی زبانان شنیده می شود؛ علت کاربرد این عبارت

عربی در زبان فارسی این است که اکثر مردم ایران مسلمان هستند و در تمام امور زندگی اراده و خواست خداوند را غالب می‌بینند؛ از این رو معمولاً آن را در تعاملات و گفتگوهای خود به کار می‌برند. این عبارت در زبان فارسی کاربرد عام دارد و در اکثر بافت‌ها و از سوی اکثر افراد به کار می‌رود و قدرت و فاصله اجتماعی در کاربرد آن دخیل نیستند. به لحاظ زبانی، این عبارت در بافت‌های مختلف کارکردهای متفاوتی دارد و گاهی با کنش گفتارهای مختلفی همراه می‌شوند که عبارتند از:

۵. ۲. ۱. همراه با کنش گفتار احوال‌پرسی

هر زبان و فرهنگی ساختار احوال‌پرسی خاص خود را دارد. احوال‌پرسی در حقیقت یک طرحواره فرهنگی است که ساختار آن در ذهن همه سخنگویان آن زبان موجود است. به نظر می‌رسد همراه کردن عبارت «ان شاء الله» با احوال‌پرسی، خاص جوامع مسلمان مانند جامعه فارسی‌زبان ایران است که ریشه در اعتقادات مذهبی آنان دارد. در حقیقت، گوینده با کاربرد این عبارت به طور ضمنی بر مشترکات خود (مسلمان بودن) با شنونده تأکید می‌کند که از استراتژی‌های ادب مثبت محسوب می‌شود.

بافت: احوال‌پرسی دو دوست

A: سلام، خوبی، خانواده خوبین، «ان شاء الله»؟

B: ممنون، شما خوبین؟ ...

۵. ۲. ۲. رد غیرمستقیم تقاضا و امتناع از قبول درخواست دیگران

کنش گفتار امتناع وقتی اتفاق می‌افتد که گوینده به طور مستقیم یا غیرمستقیم به دعوت، پیشنهاد، تقاضا یا تعارف دیگران جواب رد می‌دهد. امتناع یک کنش قوی تهدید وجهه محسوب می‌شود، چون با انتظارات افراد در تضاد قرار می‌گیرد و معمولاً از طریق استراتژی غیرمستقیم انجام می‌شود. بنابراین برخلاف پذیرش، نیازمند سطح بالای توانش کاربردشناسی است (کوهن^۱، ۱۹۹۶). بیب^۲ و همکارانش (۱۹۹۰) استراتژی‌های امتناع در

¹ Cohen

² Beebe

جواب به تقاضا، پیشنهاد، دعوت و تعارف دیگران را به سه دسته تقسیم می‌کنند: رد مستقیم، رد غیرمستقیم و رد محترمانه. وقتی فارسی‌زبانان در همان لحظه درخواست و به‌ویژه دعوت دیگران قادر به اجابت آن نباشند، از عبارت «ان شاء الله» استفاده می‌کنند تا به‌طور غیرمستقیم آن را رد و پذیرش آن را به آینده موکول کنند. در واقع، کاربرد این عبارت یک شیوه امتناعی زیرکانه در ارتباط کلامی است که فارسی‌زبانان آن را به کار می‌برند تا مانع از تخریب وجهه مثبت دیگران در هنگام تعامل کلامی شوند. آنان علاوه بر این که انجام آن کار را به آینده موکول می‌کنند، انجام آن در آینده را نیز به خواست خداوند واگذار می‌کنند. این شیوه رد تقاضا در استراتژی‌های امتناع بیب و همکارانش (۱۹۹۰) در نوع غیرمستقیم و زیرمقوله «قول اجابت در آینده» قرار می‌گیرد.

بافت: A (فرزند) از B (پدر) تقاضای خرید دوچرخه می‌کند.

A: پس کی برام دوچرخه می‌خری بابا؟!

B: «ان شاء الله» در اولین فرصت.

بافت: A به برادرش B زنگ می‌زند تا او را برای ناهار دعوت کند.

A: ... داداش ناهار منتظریم‌ها!

B: خیلی کار دارم خواهر، «ان شاء الله» هفته بعد میام.

۵.۲.۳. دعا و نفرین

دعا و نفرین دو کنش گفتار قوی محسوب می‌شوند که طی آن برای کسی آرزوی خوشی و ناخوشی می‌شود و هر دو از ابزارهای تقویت‌کننده و تهدیدکننده شدید وجهه افراد محسوب می‌شوند. «ان شاء الله» عبارتی است که هم همراه با عبارات دعایی و هم همراه با عبارات نفرین می‌آید و در هر دو مورد به دعا و نفرین شدت و قوت می‌دهد. چون دعا و نفرین در مورد کسی است که از نظر گوینده پذیرفته شده و یا تأیید نشده است، لذا وجهه مثبت فرد تقویت یا تهدید می‌شود.

بافت: A برای پسر تازه دامادش دعا می‌کند؛

A: «ان شاء الله» خوشبخت شی پسر!

بافت: B مدت‌هاست که باعث اذیت A است.

A: «ان‌شاءالله» خیر نبینی از زندگیت!

۵. ۲. ۴. دلداری دادن

گاهی افراد در جریان رخداد گفتاری درددل کردن که یک طرحواره فرهنگی است و شریفیان (۲۰۰۷: ۴۶) آن را ایجاد یک فضای عاطفی می‌داند که افراد به بیان احساسات و غم و غصه خود می‌پردازند، از عبارت «ان‌شاءالله» استفاده می‌کنند تا به سخنگو دلداری داده و با اشاره به خواست خداوند در انجام امور، ناراحتی او را تسکین دهند. از آنجا که همدردی با دیگران یک ارزش اخلاقی و انسانی محسوب می‌شود، لذا کاربرد این طرحواره فرهنگی میان فارسی‌زبانان بسیار مرسوم است و به کارگیری عبارت «ان‌شاءالله» باعث ایجاد توکل و برانگیزاندن خوش‌بینی در شنونده می‌شود. به گفته براون و لوینسون (۱۹۸۷: ۱۲۹)، هدیه دادن به دیگران که تقویت‌کننده وجهه مثبت افراد است، تنها شامل هدیه‌های قابل لمس نیست و ابراز همدردی نیز نوعی هدیه است که در جریان آن به خواسته‌ها و نیازهای شنونده توجه شده و وجهه مثبت او تقویت می‌شود. در واقع فارسی‌زبانان با کاربرد عبارت «ان‌شاءالله» در رخداد گفتاری درددل کردن، ضمن ابراز همدردی با افراد، به آنها دلداری می‌دهند که این خود از استراتژی‌های ادب مثبت (استراتژی پانزدهم) است.

بافت: A در حال درددل کردن با B

A: ...

B: «ان‌شاءالله» درست می‌شه.

۵. ۳. «با اجازه (تون)»

عبارت «با اجازه (تون)» از عبارات مؤدبانه‌ای است که به کرات در تعارفات، احوال‌پرسی‌ها و خداحافظی‌های فارسی‌زبانان به چشم می‌خورد و در هر بافتی کارکرد خاص خود را دارد.

۵.۳.۱. اجازه گرفتن

عمده ترین معنای «با اجازه (تون)» همان کسب اجازه و رخصت خواستن برای انجام کارهاست. در فرهنگ فارسی زبانان ایرانی، اجازه گرفتن از دیگری برای استفاده از وسایل او یا اجازه گرفتن از دیگری که به لحاظ جایگاه بالاتر است، از ضروریات و الزامات رعایت ادب است که ممکن است در قالب عبارت «با اجازه (تون)» تجلی پیدا کند. این عبارت هم در بافت رسمی و هم غیررسمی و صمیمی کاربرد دارد؛ اگر هدف گوینده استفاده از لوازم شخصی دیگران باشد، جایگاه و قدرت مطرح نیست و حتی یک فرد با جایگاه اجتماعی و قدرت بالاتر هم باید از مخاطب خود اجازه بگیرد؛ اما در مورد انجام کارها، قضیه متفاوت می شود و در این مورد شخص با جایگاه و قدرت پایین تر از این عبارت برای کسب اجازه استفاده می کند.

بافت: A از B پدرش برای رفتن به اردو اجازه می گیرد.

A: بابا من «با اجازه» فردا دیگه عازم.

۵.۳.۲. خداحافظی (خاص تعامل رودررو است)

سلام و احوال پرسی فرهنگ و آداب خاص خود را داراست. در زبان فارسی، دیدارها با سلام و پرسیدن حال و احوال گویندگان شروع می شود و با خداحافظی پایان می پذیرد. برخلاف سلام کردن که در قالب یک واحد انجام می شود، در کنش خداحافظی از واژه ها و عبارات مختلفی استفاده می شود. «با اجازه تون» از جمله عباراتی است که در پایان دیدارها گفته می شود و صورت مؤدبانه «خداحافظ» است؛ به این معنی که جایگاه مخاطب آن قدر بالاست که گوینده برای خداحافظی از محضر او کسب اجازه می کند و معمولاً در بافت های رسمی و از سوی سخنگوی با قدرت پایین تر گفته می شود.

بافت: A (دانشجو، ۴۰ ساله)، B (استاد، ۴۰ ساله)، A در اتاق B است و بعد از اتمام

سخنانش با B از او خداحافظی می کند.

A: ببخشید، وقتون رو هم گرفتم، «با اجازه تون».

B: خواهش می کنم، به سلامت.

۵.۳.۳. ابزار تلطیف‌کننده^۱

گاهی برای بیان مستقیم و درخواست چیزی از کسی به منظور تلطیف درخواست و کاهش شدت تحمیل به دیگران، این درخواست‌ها با عباراتی مثل «لطفاً» و «بی‌زحمت» همراه می‌شوند که به آنها ابزارهای تلطیفی می‌گویند (یول^۲، ۱۳۸۵: ۸۶ و ۱۶۴). عبارت «با اجازه‌تون» یکی از این ابزارهای تلطیفی است که افراد زمانی آن را به کار می‌برند که به حیطة خصوصی دیگران وارد شده و می‌دانند که ممکن است عملشان از طرف مخاطب تهدید و وجهه محسوب شود، لذا با کاربرد این عبارت با هدف کاهش تهدید و وجهه سعی در موجه جلوه دادن عمل خود دارند. به‌عکس، گاهی فرد با کاربرد این عبارت شنونده را در مقابل عمل انجام‌شده قرار می‌دهد یا به گونه‌ای پذیرش تقاضا را به شنونده تحمیل می‌کند. بافت: A (پرستار کودک) در غیاب B (صاحب‌خانه) از تلفن منزل استفاده کرده است.

A: من «با اجازه‌تون» از گوشی خونه به مامانم زنگ زدم.

B: باشه اشکال نداره.

بافت: A (دبیر)، B (مدیر)

A: «با اجازه‌تون» فردا رو مرخصی گرفتم.

۵.۴. «بفرمایید»

«بفرمایید» فعل امری از مصدر «فرمودن» است که گاه به‌تنهایی می‌آید و گاهی با واژه‌های دیگری همراه می‌شود، مثل «امر بفرمایید»، «میل بفرمایید»، «دستور بفرمایید» و غیره که البته در این موارد جایگزین فعل «کردن» شده است و بیانگر گفتار بسیار مؤدبانه و رسمی و از مصادیق بالا بردن دیگری (بی‌من^۳، ۱۳۸۱: ۴۱) است. واژه «بفرمایید» در بافت‌های مختلف، معانی و نقش‌های متفاوتی ایفا می‌کند، حتی گاهی در یک بافت ممکن است واژه «بفرمایید» چندین بار تکرار شود و هر بار یک معنای متفاوت داشته باشد.

^۱ mitigating device

^۲ Yule

^۳ Beeman

بافت: A (دانشجو) برای گرفتن راهنمایی به اتاق B (استاد راهنمایش) می رود و در

می زند:

A: (در می زند)

B: «بفرمایید»

A: (در حالی که در را نیمه باز کرده) ببخشید استاد؟

B: «بفرمایید»

A: می خواستم چند تا سؤال از تون بپرسم.

B: «بفرمایید» تو

A: (دانشجو وارد شد و منتظر اجازه نشستن می ماند)

B: (با اشاره به صندلی) «بفرمایید»

A: (می نشیند)

B: «بفرمایید» می شنوم.

همان طور که مشاهده می شود، واژه «بفرمایید» در این بافت ۵ بار تکرار شده و هر بار معنای متفاوتی دارد که در ادامه در خلال کارکردهای مختلف «بفرمایید» به آنها اشاره خواهد شد.

۵. ۴. ۱. چه کسی (کیه)

گاهی «بفرمایید» در جواب کنش در زدن یا تلفن زدن دیگران گفته می شود که معادل صورت مؤدبانه «کیه؟» می باشد. در پاسخ گویی به تلفن ها، شخصی که گوشی را برمی دارد با گفتن «بفرمایید» از کسی که زنگ زده می خواهد خود را معرفی کند یا شاید هم صحبت گشایی کند. در یک بافت رسمی مانند مثال ذکر شده، استاد با گفتن بفرمایید می خواهد بداند چه کسی پشت در است.

۵. ۴. ۲. گفتن، امر کردن

یکی دیگر از معانی «بفرمایید»، «گفتن» است که در واقع صورت مؤدبانه آن است و معمولاً در بافت های رسمی به کار می رود.

بافت: مطب دکتر، A (بیمار)

A: «بفرمایید» چه کار کنم آقای دکتر؟

۵. ۴. ۳. داخل یا خارج شدن

واژه «بفرمایید» برای وارد شدن یا خارج شدن به جای «بیا» و «برو» به کار می رود و به ویژه هنگام تعارف برای ورود یا خروج کنار درها شنیده می شود.

بافت: A, B دو همکار می خواهند وارد دفتر کارشان شوند.

A: «بفرمایید».

B: خواهش می کنم، اول شما بفرمایید.

۵. ۴. ۴. خوردن

«بفرمایید» به جای واژه «خوردن»، به ویژه سر سفره غذا و در مهمانی ها خیلی شنیده می شود.

بافت: سر سفره، A میزبان

A: «بفرمایید»، «بفرمایید» تورو خدا تعارف نکنید.

۵. ۴. ۵. برداشتن

یکی دیگر از معانی واژه «بفرمایید»، «بردار» است که معمولاً در تعارفات مربوط به خوردن از آن استفاده می شود.

بافت: A در حرم به B (زائر) شکلات تعارف می کند.

A: «بفرمایید».

B: (یک شکلات برمی دارد) ممنون.

A: «بفرمایید» بیشتر بردارین.

۵. ۴. ۶. نشستن

از دیگر معانی «بفرمایید»، دعوت به نشستن افراد است.

بافت: A وارد مجلس می شود و B به نشانه احترام برمی خیزد.

A: «بفرمایید»، راحت باشید.

۵. ۴. ۷. سرزنش

یکی دیگر از کارکردهای «بفرمایید» که به طور کلی با دیگر کارکردها متفاوت است، کارکرد سرزنشی آن است. در برخی بافت‌ها «بفرمایید» با لحن سرزنش آمیز، نه تنها احترام آمیز نیست بلکه به شدت تهدید کننده و جبهه می باشد.

بافت: B و A بر سر موضوعی اختلاف نظر دارند و B حرف خود را به کرسی می نشاناند

اما بعد، حرف او نتیجه معکوس می دهد.

A: «بفرمایید» خانم تحویل بگیرید...

همان طور که مشاهده می شود، تمام کارکردهای واژه «بفرمایید» به جز کارکرد سرزنشی آن در جهت تکریم و احترام مخاطب به کار می روند.

۵. ۵. «جان»

«جان» واژه‌ای است که عمدتاً در گفتار نقش تحیب را ایفا می کند و ممکن است به همراه اسم یا به تنهایی به کار رود که در این صورت کارکردهای آن متفاوت می شود. این واژه غالباً مختص بافت‌های غیررسمی است و میان افراد با همبستگی و صمیمیت بالا به کار می رود و گوینده با کاربرد این واژه به نوعی حس صمیمیت و دوست داشته شدن را در شنونده برانگیخته می کند و در واقع، وجه مثبت شنونده تقویت می شود. علاوه بر این، این واژه در بافت‌های نیمه رسمی نیز به کار می رود که بیشتر نشان دهنده احترام و تا حدودی صمیمت است. بنا به گفته کشاورز (۲۰۰۲)، واژه «جان» همراه با اسم، خاص بافت‌های تقریباً رسمی است، اما به نظر می رسد این واژه در بافت‌های غیررسمی به نشانه تحیب و در بافت‌هایی نیمه رسمی و رسمی به نشانه احترام به کار می رود.

۵. ۵. ۱. اسم + «جان» («جون»)

۵. ۵. ۱. ۱. نشان صمیمیت و همبستگی

«اسم + جان» در بافت‌های غیررسمی کاربرد فراوانی دارد؛ در واقع گوینده با کاربرد «جان»، محبوبیت شنونده و صمیمیت خود با شنونده را نشان می‌دهد و علاقه‌اش را به او ابراز می‌کند و در نتیجه حس پذیرفته شدن و دوست‌داشته شدن به شنونده منتقل شده و باعث تقویت وجهه مثبت او می‌شود که از استراتژی‌های ادب مثبت است.

بافت: A، دخترش B را صدا می‌زند.

A: آرینا «جان»، بیا مامان.

۵. ۵. ۲. ۱. نشان احترام و تا حدودی رسمی و نیمه‌رسمی بودن

اسم به همراه «جان» گاهی در بافت‌ها، نشانه صمیمیت تشریفاتی است و به نشانه احترام استفاده می‌شود. البته شدت رسمی بودن آن از آوردن خانم یا آقا به همراه اسم، بسیار کمتر است.

بافت: A, B دو همکلاسی

A: هدی «جان» فردا کلاس ۱۰-۱۲ رو می‌ای؟

بافت: گفتگوی تلفنی A, B

A: چه خبر؟ خوبین؟ آرینا «جان» خوبه؟

۵. ۵. ۳. ۱. ۵. ۵. تلطیف‌کننده تقاضا

از آنجا که تقاضا و درخواست تهدیدگر وجهه محسوب می‌شوند، کاربرد واژه «جان» به همراه اسم می‌تواند از شدت تهدید وجهه بکاهد و تقاضا را تلطیف کند؛ این واژه در بافت‌های غیررسمی و نیمه‌رسمی توسط سخنگوی با قدرت بالا یا توسط سخنگویان با قدرت برابر، استفاده می‌شود. گاهی نیز افراد با قدرت پایین تر به شکل زیرکانه‌ای از آن برای رسیدن به اهداف خود استفاده می‌کنند. همچنین می‌توان گفت کاربرد «جان» همراه اسم، استفاده از نشانگرهای هویتی درون گروه است که از استراتژی‌های ادب مثبت (استراتژی چهارم) محسوب می‌شود.

بافت A (مرد، ۵۰ساله)، B (پسر، ۱۵ساله)

A: «علی جان»، برو پایین بین در ماشین رو بستم.

بافت: A (خواهرزاده B، ۱۵ساله) در حال درخواست از دایی (B، ۳۴ساله)

A: دایی «جون» منم باهات پیام خونه دوستت؟

۵. ۲. «جان» به تنهایی

۵. ۲. ۱. ابراز احساسات

فرهنگ های مختلف احساسات و عواطف خود را به طرق مختلف و با واژگان و عبارات متفاوتی بروز می دهند. «جان» یکی از این واژه هاست که فارسی زبانان از آن به عنوان ابزاری برای ابراز احساسات و هیجانات خود استفاده می کنند و غالباً توسط زنان در بافت های غیررسمی یا نیمه رسمی استفاده می شود. بارزترین نمود این واژه در صحبت با کودکان دیده می شود.

بافت: کودک ۹ ماهه ای در حال بازی کردن با خود و ایجاد اصوات است.

مادر: «جان»، «جان» عزیزم!

۵. ۲. ۲. همدردی

واژه «جان» گاهی نیز به عنوان همدردی در جواب رخداد گفتاری درد و دل کردن دیگران می آید و در واقع فرد با کاربرد واژه «جان» با گوینده ابراز همدردی می کند و این طور به گوینده القا می شود که شنونده او را درک کرده و پذیرفته است و بدین ترتیب وجهه مثبتش تقویت می شود.

بافت: A برای B تعریف می کند که دخترش تصادف سختی کرده و در بیمارستان

بستری است.

A: این قدر دیشب دخترم تا صبح ناله کرد که اشکم در اومد.

B: آخی! «جان»، عزیزم.

۵. ۲. ۳. پرسش

وقتی شنونده سخن گوینده را نشنیده و از او می‌خواهد تا گفته‌اش را تکرار کند، این تقاضای تکرار را با واژه «جان» بیان می‌کند که لحن پرسشی نیز به خود می‌گیرد و مختص بافت‌های غیررسمی و با همبستگی بالاست. قابل ذکر است که کاربرد این واژه در بافت‌های رسمی ممکن است سوء تعبیر شود.

بافت: A در حال آشپزی، B (همسر A) وارد آشپزخانه می‌شود.

B: ناهار چی داریم؟

A: «جان»؟

B: می‌گم ناهار چی داریم؟

۵. ۲. ۴. نشان تعجب و اعتراض

واژه «جان» در جواب بعضی گفته‌ها به صورت پرسشی می‌آید که البته منظور از آن پرسش نیست، بلکه شنونده تعجب یا اعتراض خود را از این طریق و با کشیدگی صدای «آ» در «جان» بیان می‌کند و به این طریق غیرمنتظره بودن سخن گوینده را نیز نشان می‌دهد و به نظر می‌رسد که غالباً جوانان و نوجوانان از این شیوه استفاده می‌کنند.

A (۲۰ساله) در حال تعریف جریانی برای B (دوستش ۲۸ساله)

A: مامان، ندا اینا برا تولدش یه کوپه دو در خریدن.

B: «جان»؟

A: بله، مردم این جورین دیگه.

در این بافت واژه «جان» نشان‌دهنده تعجب است.

بافت: A (زن، ۲۵ساله) B (برادر A، ۱۷ساله)

A: مامان گفت امروز تو باید همه خوننه رو جارو کنی.

B: «جان»؟

A: بله، زود باش.

همان‌طور که پیداست نقش «جان» در این بافت اعتراضی است که همراه با کشیدگی

صدا و تغییر آهنگ می‌باشد.

۶. جمع بندی

در ادامه خواهیم دید که هر یک از واژه‌ها و عبارات ذکر شده در کدام یک از استراتژی‌های ادب براون و لوینسون قرار می‌گیرد.

۶.۱. «اختیار دارین»

مطابق جدول زیر، عبارت «اختیار دارید/ دارین» دارای سه کارکرد است که هر سه کارکرد نیز نه تنها تهدید کننده وجه نیستند، بلکه برای نشان دادن احترام و تقویت وجهه مخاطب به کار می‌روند، لذا در این جدول که استراتژی‌ها بر مبنای کنش تهدید وجه هستند، جای نمی‌گیرند.

جدول ۱: کارکردهای «اختیار دارین»

کارکردها	بافت	استراتژی مستقیم	ادب مثبت	ادب منفی	استراتژی غیرمستقیم
اجازه گرفتن و دادن اختیار و اجازه انجام کاری به کسی	همه بافت‌ها	-	-	-	-
در پاسخ به کنش گفتار تعریف	رسمی و نیمه رسمی	-	-	-	-
در پاسخ به تعارف	رسمی و نیمه رسمی	-	-	-	-

۶.۲. «با اجازه تون»

همان‌طور که در جدول زیر مشاهده می‌شود، «با اجازه تون» در بافت‌های مختلف، سه کارکرد عمده دارد که کارکرد اول نشانه احترام به دیگران است، که تقویت کننده وجهه می‌باشد. کارکرد خداحافظی در برخی بافت‌ها ممکن است تهدید کننده وجهه باشد لذا به صورت غیرمستقیم بیان می‌شود. کارکرد تقاضا، تهدید کننده وجهه است و افراد برای تلطیف آن، ترکیب «با اجازه تون» را به کار می‌برند تا درجه تحمیل را کاهش دهند که یک استراتژی ادب منفی است.

جدول ۲: کارکردهای «با اجازه تون»

کارکردها	بافت	استراتژی مستقیم	ادب مثبت	ادب منفی	استراتژی غیر مستقیم
اجازه گرفتن	همه بافت‌ها	-	-	-	-
اتمام تعامل یا خداحافظی	رسمی	-	-	استراتژی اول (به‌طور قراردادی غیر مستقیم باشید)	-
تلطیف‌کننده تقاضا	رسمی	-	-	استراتژی چهارم (کاهش درجه تحمل)	-

۳.۶. «ان شاء الله»

طبق جدول زیر، این ترکیب در بافت‌های مختلف ۴ کارکرد متفاوت دارد که از این میان کارکرد امتناع و نفرین از کنش‌های تهدید و جبهه محسوب می‌شوند که افراد برای انجام آنها از استراتژی ادب منفی و استراتژی مستقیم استفاده می‌کنند. دیگر کارکردهای «ان شاء الله» نشانه توجه و اهمیت دادن به مخاطب و در نهایت تقویت‌کننده وجهه او می‌باشند.

جدول ۳: کارکردهای «ان شاء الله»

کارکردها	بافت	استراتژی مستقیم	ادب مثبت	ادب منفی	استراتژی غیر مستقیم
همراه با کنش گفتار احوال‌پرسی	همه بافت‌ها	-	-	-	-
تلطیف‌کننده امتناع	همه بافت‌ها	-	-	استراتژی اول (به‌طور قراردادی غیر مستقیم باشید)	-
دعا و نفرین	همه بافت‌ها	استراتژی مستقیم	-	-	-
دلداری دادن	همه بافت‌ها	-	-	-	-

۶. ۴. «بفرمایید»

طبق جدول زیر «بفرمایید» دارای ۷ کارکرد در بافت‌های مختلف است که چون ۶ کارکرد اول آن در حالت امری (بیا، بخور، ...) و تحمیل به مخاطب به کار می‌روند، ممکن است تهدیدکننده و جبهه باشند، لذا افراد شکل احترام آمیز این فعل را به کار می‌برند که از استراتژی‌های ادب منفی است. کارکرد سرزنش این فعل نیز جزو استراتژی‌های غیرمستقیم می‌باشد.

جدول ۴: کارکردهای «بفرمایید»

کارکردها	بافت	استراتژی مستقیم	ادب مثبت	ادب منفی	استراتژی غیرمستقیم
چه کسی (کیه)	رسمی	-	-	استراتژی پنجم (احترام قائل شوید)	-
گفتن (امر کردن)	رسمی	-	-	استراتژی پنجم (احترام قائل شوید)	-
داخل یا خارج شدن	رسمی	-	-	استراتژی پنجم (احترام قائل شوید)	-
خوردن	رسمی / نیمه رسمی	-	-	استراتژی پنجم (احترام قائل شوید)	-
برداشتن	رسمی / نیمه رسمی	-	-	استراتژی پنجم (احترام قائل شوید)	-
نشستن	رسمی	-	-	استراتژی پنجم (احترام قائل شوید)	-
ارائه خدمت یا هدیه	-	-	-	استراتژی پنجم (احترام قائل شوید)	-
سوزنش	غیررسمی	-	-	-	هشتم (کنایه گو)

۵.۶. «جان/جانم»

واژه «جان/جانم» ۶ کارکرد در بافت‌های مختلف دارد که معمولاً خاص بافت غیررسمی است. دو کارکرد تقاضا و نشان دادن تعجب و اعتراض تهدیدکننده و وجهه اند که افراد برای انجام آنها از استراتژی ادب مثبت استفاده می‌کنند. دیگر کارکردها نه تنها تهدیدکننده و وجهه نیستند بلکه نشانه توجه و احترام به مخاطب هستند در نتیجه تقویت کننده وجهه مثبت افراد محسوب می‌شوند.

جدول ۵: کارکردهای «جان/جانم»

کارکردها	بافت	استراتژی مستقیم	ادب مثبت	ادب منفی	استراتژی غیرمستقیم
صمیمیت و همبستگی	غیررسمی	-	-	-	-
احترام و تا حدودی رسمیت	نیمه رسمی	-	-	-	-
ابزار تلطیف کننده تقاضا	نیمه رسمی / غیررسمی	-	استراتژی چهارم (استفاده از نشانگرهای هویتی درون گروه)	-	-
ابراز احساسات	غیررسمی	-	-	-	-
پرسش	غیررسمی / نیمه رسمی	-	-	-	-
نشان تعجب و اعتراض	غیررسمی	-	استراتژی هشتم (طنز)	-	-

۷. نتیجه گیری

یافته‌های این تحقیق نشان‌دهنده محدودیت‌های زیر در نظریه ادب براون و لوینسون (۱۹۸۷) می‌باشند.

۱. نمی‌توان ادب را تنها با تلطیف کنش‌های تهدیدی وجهه براون و لوینسون (۱۹۸۷) توصیف و بررسی کرد، چرا که ادب پدیده پیچیده و گسترده‌ای است

که بسیاری از جنبه‌های زندگی انسان‌ها را در برمی‌گیرد و استفاده از استراتژی‌های ادب براون و لوینسون هنگام انجام کنش تهدید وجهه، تنها بخشی از ادب محسوب می‌شود.

۲. براون و لوینسون (۱۹۸۷) استراتژی‌های ادب مثبت و منفی خود را فقط در ارتباط با انجام کنش‌های تهدیدکننده وجهه تعریف می‌کنند، در حالی که این استراتژی-ها بدون انجام کنش تهدید وجهه برای تقویت وجهه و ارتباط مؤثرتر نیز کارایی بسیاری دارند.

۳. آهنگ در گفتار یک عامل مؤثر در انتقال معنا و منظور گوینده است که براون و لوینسون به آن اشاره‌ای نکرده‌اند؛ در واقع شنونده با توجه به لحن و آهنگ گوینده در کلام، کنش‌هایی مانند سرزنش، تعارف واقعی و طنز را در گفتار گوینده درک می‌کند.

علاوه بر یافته‌هایی که در بالا به آن‌ها اشاره شد، نتایج دیگری نیز از تحلیل داده‌ها به دست آمده است که در اینجا به چند مورد از آنها اشاره می‌شود:

۱. واژه‌ها و عبارات مؤدبانه در زبان فارسی فقط هنگام انجام کنش‌های تهدید وجهه به کار نمی‌روند. سخنگویان فارسی زبان همواره سعی می‌کنند توجه و احترام خود را به مخاطب نشان داده و با تقویت وجهه آنها، با ایشان ارتباط برقرار کنند.
۲. بیشتر واژه‌ها و عبارات مؤدبانه در بافت‌های رسمی یا نیمه‌رسمی به کار می‌روند.
۳. بافت نقش مهمی در تعبیر (غیر) مؤدبانه بودن واژه‌ها و عبارات مؤدبانه دارد؛ به-عنوان مثال واژه «ممنون» همیشه کارکرد تشکر ندارد و گاهی کارکرد سرزشی می‌یابد که تهدیدکننده وجهه است.
۴. کاربرد واژه‌های ذکر شده تنها به بافت‌های مذکور محدود نیست و نمی‌توان به-طور دقیق مرزی برای آنها قائل شد. ممکن است برخی سخنگویان، بعضی از این واژه‌ها را که در بافت‌های رسمی آمده است، در یک بافت غیررسمی و صمیمی

به کار برند. مثلاً گاهی فرزندان خانواده «بفرمایید»، «اختیار دارین» را در گفتگو با والدینشان به کار می‌برند.

۵. در بیشتر بافت‌های رسمی یا نیمه‌رسمی برای انجام کنش تهدید وجهه از استراتژی‌های ادب منفی استفاده می‌شود، در حالی که در بافت‌های غیررسمی استراتژی‌های ادب مثبت به کار گرفته می‌شود.

۶. بیشترین استراتژی ادب استفاده‌شده هنگام انجام کنش‌های تهدیدکننده وجهه، استراتژی ادب منفی می‌باشد. همان‌طور که پیش‌تر نیز اشاره شده بود، ادب منفی در جهت محافظت از وجهه منفی مخاطب و «تمایل او برای داشتن آزادی عمل» (براون و لوینسون ۱۹۸۷: ۱۲۹) به کار می‌رود. نتیجه حاصل از این داده‌ها مطابق با ادعای براون و لوینسون است که می‌گویند: «ادب منفی قلب رفتار مؤدبانه است» (۱۹۸۷: ۱۲۹).

به‌طور کلی باید گفت در زبان فارسی شکل خاصی از ادب و احترام وجود دارد که غالباً با زبان تعارف (در حد متعارف) همراه است و از افراد انتظار می‌رود ضمن رعایت ادب به یکدیگر احترام گذاشته و وجهه یکدیگر را تقویت کنند. در واقع در زبان فارسی ادب تنها با تلطیف کنش‌های تهدید وجهه (FTA) براون و لوینسون (۱۹۸۷) تعریف نمی‌شود، و می‌توان در مقابل این تعریف، ادب را با کنش‌های تقویت وجهه (FEA)^۱ نیز تعریف کرد که افراد بر اساس آن با انجام برخی کنش‌های زبانی و غیرزبانی نظیر نشان دادن احترام، فروتنی و توجه به دیگران با کاربرد برخی واژه‌های مؤدبانه چون «اختیار دارین»، «بفرمایید»، و غیره سعی در تقویت وجهه افراد دارند.

منابع

آزاد ارمکی، تقی و محمد بیکران بهشت (۱۳۸۹). «تعارف در زیست روزمره ایرانی». مجله برگ هنر. شماره ۲۲.

<www.sid.ir.>

¹ face enhancing act

بی‌من، ویلیام (۱۳۸۱). *زبان، منزلت و قدرت در ایران*. ترجمه رضا ذوقدارمقدم. تهران: نشر نی.

یول، جورج (۱۳۸۵). *کاربردشناسی زبان*. ترجمه محمد عموزاده مهدیرجی و منوچهر توانگر. تهران: انتشارات سمت.

Austin, J. (1962). *How to Do Things with Words*. Oxford: Clarendon Press.

Bakker, G. (2003). Do the English Write Better than the Dutch? Unpublished M.A. thesis, Utrecht University.

Beebe, L., T. Takahashi & R. Uliss-Weltz (1990). "Pragmatic Transfer in ESL Refusals". *Developing Communication Competence in a Second Language*. R. Scarcella, E. Anderson & S. Krashen, (eds.). New York: Newbury House. pp. 55-73.

Brown, P. & S. Levinson (1987). *Politeness: Some Universals in Language Usage*. Cambridge: Cambridge University Press.

Cohen, A. D. (1996). "Developing the Ability to Perform Speech Acts". *Studies in Second Language Acquisition*. 18. pp. 253-267.

Elyasi, M. , Sh. Sharifi, & M. Khodaei Moghaddam (2014). "Xaste nabâši(d)" as a Culture Specific Speech Act in Persian". *Journal of Advances in Linguistics*. 4 (1). pp. 283-289.

Fasold, R. (1987). *The Sociolinguistics of Society*. New York: Blackwell.

Goffman, E. (2001). "On Face Work: An Analysis of Ritual Elements in Social Interaction". *The Discourse Reader*. A. Jaworski & N. Coupland (eds.). London and New York: Routledge. pp.222-247.

Holmes, J. (1986). "Compliments and Compliment Responses in New Zealand English". *Anthropological Linguistics*. 28 (4). pp. 485-508.

Kasper, G. & K. R. Rose (2001). *Pragmatics in Language Teaching*. Cambridge: Cambridge University Press.

Leech, G. (1983). *Principles of Pragmatics*. London: Longman.

Mills, S. (2003). *Gender and Politeness*. Cambridge: Cambridge University Press.

Pishghadam, R. & P. Norouz Kermanshahi (2012). "Insha'Allah (God's Willing) and its Functions in Persian". *Studies in Literature and Language*. 4 (1). pp. 1-6.

- Pomerantz, A. (1978). "Compliment Responses: Notes on the Cooperation of Multiple Constraints". *Studies in the Organization of Conversational Interaction*. Jim Schenkein (ed.). New York: Academic Press. pp. 79-112.
- Rafiee, A. (1992). Variables of Communicative Incompetence in the Performance of Iranian Learners of English and English Learners of Persian. Unpublished PhD thesis. University of London.
- Scollon, R. & S. W. Scollon (1995). *Intercultural Communication: A Discourse Approach*. Oxford: Blackwell.
- Searle, J. (1969). *Speech Acts*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Sharifian, F. (2007). "L1 Cultural Conceptualizations in L2 Learning: The Case of Persian-speaking Learners of English". *Applied Cultural Linguistics: Implications for Second Language Learning and Intercultural Communication*. Sharifian, F. & G. Palmer (eds.). Amsterdam & Philadelphia: John Benjamins Publishing Company. pp. 33-62.
- Tanck, S. (2003). "Speech Acts Sets of Refusals and Complaint: A Comparison of Native and Non-native English Speakers' Production". *TESL Second Language Acquisition*. 4. pp. 1-22.
- Ukosakul, M. (2005). "The Significance of Face and Politeness in Social Interaction as Revealed through Thai Face Idioms". *Broadening the Horizon of Linguistic Politeness*. R.T. Lakoff & S. Ide (eds.). Amsterdam: John Benjamin's Publishing Company. pp. 117-128.
- Watts, R. J. (2003). *Politeness*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Wolfson, N. (1981). "Compliments in Cross-cultural Perspectives". *TESOL Quarterly*. 15 (2). pp. 117-123.
- _____ (1989). "The Social Dynamics of Native and Non-native Variation in a Complimenting". *Variation in Second Language Acquisition: Empirical views*. M. Eisenstein (ed.). New York: Plenum Press. pp. 219-236.
- Wolfson, N. & J. Manes. (1980). "The Compliment as a Social Strategy". *Papers in Linguistics*. 13. pp. 391-410.
- Yousefvand, Z. (2010). "Study of Compliment Speech Act Realization Patterns across Gender in Persian". *Arizona Working Papers in SLA & Teaching*. 17. pp. 91-112.